گزارش «تعادل» از کالبدشکافی بازار جهانی انرژی و نفت ۱۰۰ دلاری

پازل سه رقمی طلای سیاه!

گلناز پرتوی مهر

آمارهای متداول موسسات ردیابی شناورها و دفاتر سرمایه‌گذاری بین‌المللی خبر از یک آرامش ظاهری می‌دهند: عبور جریان نفت از گلوگاه‌های خاورمیانه روندی رو به بهبود داشته و اعداد و ارقام خروجی از ترمینال‌های بارگیری حتی از روزهای پیش از تنش فراتر رفته است. با این وجود، تابلوهای معاملاتی بازار نفت روایتی کاملا متناقض را به نمایش می‌گذارند. در شرایطی که بر اساس منطق کلاسیک عرضه و تقاضا، بازگشت حجم بشکه‌های صادراتی باید قیمت نفت برنت را به کانال‌های آرامش پیشین (نزدیک به ۶۰ دلار) بازمی‌گرداند، این شاخص کلیدی هفته‌هاست که پایش را از نردبان ۱۰۰ دلار پایین نمی‌گذارد. پرسش بنیادین این است: چه متغیر ناپیدایی در این میان فرمول‌های متداول بازار را خنثی کرده و اجازه ریزش به قیمت‌ها نمی‌دهد؟

پاسخ را نه در چاه‌های نفت و بنادر مبدا، بلکه باید در طول صدها مایل خطوط مواصلاتی، اقیانوس‌ها و انبارک‌های پالایشگاهی جست‌وجو کرد. واقعیت این است که حجم نفت بارگیری‌شده دیگر معیار کاملی برای قیمت‌گذاری نیست، بلکه «نفت تحویل‌شده در مقصد» و هزینه تبدیل آن به سوخت نهایی، متغیر اصلی تعیین قیمت در جهان امروز است.

نخستین تکه از پازل پایداری نفت سه‌رقمی، تغییر چهره ژئوپلیتیک حمل‌ونقل دریایی است. جریان فیزیکی نفت بازگشته، اما هندسه خطوط کشتیرانی دگرگون شده است. وقتی ریسک‌های امنیتی و بیمه‌ای در آبراه‌های راهبردی منطقه سر به فلک می‌کشند، نفتکش‌ها ناچار به پیمودن مسیرهای انحرافی و طولانی‌تر می‌شوند. دور زدن گذرگاه‌های استاندارد به معنای افزودن هفته‌ها به مدت زمان سفر یک محموله و حبس شدن میلیون‌ها بشکه نفت روی آب است.

این چرخه معیوب دو پیامد مستقیم دارد: نخست اینکه کرایه حمل نفتکش‌ها به رکوردهای تاریخی دست یافته و هزینه جابه‌جایی هر بشکه نفت به ارقامی سرسام‌آور رسیده است. دوم اینکه زنجیره تحویل دچار تاخیر ساختاری می‌شود؛ نفت امروز از خلیج‌فارس بارگیری می‌شود، اما برخلاف گذشته نه در ده روز، بلکه در یک ماه آینده به مقاصد مصرفی خواهد رسید. بازار این «فواصل زمانی کش‌آمده» و «کرایه‌های پرواز کرده» را مستقیما بر بهای شاخص‌ها بار می‌کند. به بیانی ساده‌تر، خریدار نهایی هزینه ریسک عبور از دریاها، حق بیمه جنگی و مسافت‌های مضاعف را در قالب نفت ۱۰۰ دلاری تسویه می‌کند.

پیچیدگی ماجرا به نفت خام ختم نمی‌شود. نفت سیاه به‌خودی‌خود به موتور خودروها یا دیگ بخار کارخانه‌ها نیرو نمی‌بخشد، بلکه این فرآورده‌های نهایی -به‌ویژه گازوییل- هستند که شریان صنعت جهانی را به حرکت درمی‌آورند. پالایشگاه‌های جهان در حال حاضر با حاشیه سودهایی معامله می‌کنند که پیش از این کمتر دیده شده بود. انگیزه مالی شدید برای تولید گازوییل، پالایشگاه‌ها را ترغیب کرده تا نرخ عملیاتی خود را به سقف ممکن برسانند، اما آنها نیز در یک تله تاریخی گرفتار شده‌اند.

صادرات سوخت پالایش‌شده از خاورمیانه به دلایل زیرساختی و امنیتی همچنان با دست‌اندازهای جدی روبه‌رو است. همزمان، صادرات گازوییل روسیه به دلیل سیاست‌های محدودکننده و اولویت‌بخشی به نیازهای داخلی عملا قطع شده و چین نیز با بستن روزنه‌های سهمیه صادراتی، ترجیح داده سوخت تولیدی را در پشت مرزهای خود ذخیره کند. این محاصره چندجانبه باعث شده کمبود گازوییل در آستانه فصل سرما به نقطه جوش برسد. وقتی تقاضا برای تولید فرآورده تا این حد حریص است، عطش پالایشگاه‌ها برای بلعیدن هر بشکه نفت خام موجود، کششی غیرقابل مقاومت برای نگه‌داشتن قیمت‌ها در بالای ۱۰۰ دلار ایجاد می‌کند؛ به‌طوری که در بازارهای نقدی شمال اروپا، حتی نفت‌های پایه کیفی در ارقامی بسیار فراتر از برنت معامله می‌شوند.

در چرخه‌های پیشین بحران انرژی، بازارهای جهانی همواره تکیه‌گاهی داشتند به نام «ذخایر استراتژیک»؛ سپرهایی انباشته از نفت در غارهای نمکی و مخازن بتنی که در روزهای سخت شوک‌های ژئوپلیتیکی باز می‌شدند تا التهاب را فرو بنشانند. اما این بار، مخزن‌ها نفس‌های آخر را می‌کشند.



در ماه‌های آغازین بحران، جهان برای جلوگیری از انفجار زنجیره تامین، از ذخایر تجاری و اضطراری خود برداشت‌های سنگینی انجام داد. این سیاست مسکن موقت بود، اما ذخایر را چنان نحیف کرد که حاشیه امنیت بازار جهانی انرژی به باریک‌ترین حد ممکن در دهه‌های اخیر رسیده است. مانورهای اخیر برای تزریق دوباره میلیون‌ها بشکه از محل ذخایر کشورها نیز جز یک افت موقتی چندساعته اثری به جا نگذاشت، زیرا معامله‌گران به‌خوبی دریافتند که بخش عمده این وعده‌ها تنها بازی با اعداد، بازتکرار تعهدات گذشته یا ابزارهای یک‌بارمصرف برای سپری کردن پاییز و زمستان هستند. ذخایری که تخلیه شده باشند، در صورت بروز هرگونه اختلال تازه-نظیر آسیب به خطوط لوله جایگزین یا تهدید دوباره بنادر بارگیری- دیگر توانی برای ایفای نقش ضربه‌گیر ندارند و بازار این «بی‌پناهی استراتژیک» را به‌خوبی در محاسبات روزمره خود وارد کرده است.

آنچه امروز در تابلوی ۱۰۰ دلاری نفت مشاهده می‌شود، ناشی از کمبود فیزیکی مطلق نیست، بلکه حاصل تبدیل شدن یک «ریسک موقت» به «ساختار پایدار بازار» است. تا پیش از این، تنش‌های منطقه‌ای موج‌هایی گذرا ایجاد می‌کردند که با فروکش کردن آتش مناقشات، به سرعت به حالت پایه بازمی‌گشتند. اما اکنون، با انباشت همزمان چهار گره کور-نرخ‌های نجومی بیمه و حمل، اختلال در ژئوپلیتیک فرآورده‌ها و گازوییل، افت تاریخی ذخایر اضطراری و ابهام دایمی در امنیت شریان‌های خاورمیانه-بازار کف قیمتی جدیدی را برای خود تعریف کرده است.

نفت ۱۰۰ دلاری ماندگار شده نه به این دلیل که تولید متوقف است، بلکه به این دلیل که معماری جهان برای انتقال مطمئن و کم‌هزینه انرژی ترک برداشته است. تا زمانی که تنگناها و بن‌بست‌های آبراه‌های مواصلاتی جای خود را به ثبات و بازسازی اعتماد ندهند، حتی بارگیری میلیون‌ها بشکه مازاد نیز نخواهد توانست طلای سیاه را از تخت پادشاهی سه‌رقمی به زیر بکشد. زمستان در پیش است و حاشیه امنیت انرژی جهان، شکننده‌تر از هر زمان دیگر به ریسمانی باریک آویزان مانده است.

معاون وزیر نفت:

تولید پالایشگاهی حدود ۱۱ درصد افزایش یافته است

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: رشد سالانه مصرف بنزین که حدود ۶ درصد بود، در شهریور منفی شد. به گزارش ایلنا، محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران هم در در نشستی با سرپرست وزارت نفت با ارایه گزارشی به سرپرست این وزارتخانه اعلام کرد: شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در شرایط جنگی، تحریم و محدودیت منابع مالی، با تغییر رویکرد مدیریتی، چهار محور اصلی شامل توازن عرضه و تقاضا، توسعه زنجیره ارزش، توسعه سرمایه انسانی و حکمرانی داده‌محور را دنبال کرده است. وی افزود: در این چارچوب، ۶ راهبرد شامل افزایش و کیفی‌سازی تولید، مدیریت مصرف، توسعه زیرساخت‌ها، بهبود حجم ذخیره‌سازی‌ها و تامین سوخت، توسعه سرمایه انسانی و پژوهش و تحول دیجیتال تعریف شد. عظیمی‌فر گفت: در بخش تولید، با افزایش خوراک، اجرای طرح‌های کلیدی و تعمیرات اساسی، میانگین تولید بنزین حدود ۱۷ درصد افزایش یافت، همچنین چهار طرح کیفی‌سازی به بهره‌برداری رسید و حدود ۳ درصد به تولید فرآورده‌ها افزوده شد. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران افزود: در حوزه مصرف، رشد سالانه مصرف بنزین که حدود ۶ درصد بود، با مجموعه اقدام‌های مدیریتی به حدود صفر رسید و در شهریور منفی شد. امسال مصرف نفت‌گاز هم حدود ۲ تا ۳ درصد کاهش یافت. اصلاح‌های قیمتی، مدیریت مصرف و مقابله با قاچاق افزون بر کاهش مصرف، سبب بهبود منابع هدفمندی شد. وی افزود: سی‌ان‌جی یکی از ظرفیت‌های مهم مدیریت مصرف است و پس از اجرای طرح قیمت سوم، مصرف این حامل انرژی حدود ۱۲ درصد افزایش یافت. عظیمی‌فر گفت: در زمینه مبارزه با قاچاق، حدود ۶۶ هزار پرونده فعال ساماندهی و حدود ۷۷ هزار بارنامه بررسی و اصلاح و حدود ۲ هزار کارت سوخت مهاجر شناسایی و ساماندهی شد و در عین حال ساماندهی حدود ۶۰۰ هزار کارت سوخت در بخش‌های مختلف نیز در حال انجام است. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: طرح شناسه‌دار کردن کارت‌های آزاد جایگاه‌ها در تهران در حال اجراست و کارت‌ها حذف نمی‌شوند، بلکه استفاده از آنها ساماندهی و از سوءاستفاده جلوگیری می‌شود. وی افزود: در بخش زیرساخت، در دو سال حدود یک‌هزار کیلومتر به شبکه خطوط لوله کشور افزوده شده و پروژه‌های مهمی در حال تکمیل و بهره‌برداری است. افزون بر این، برای توسعه سرمایه انسانی، مرکزی راه‌اندازی شده است که تاکنون حدود ۱۰۰ نفر در دوره‌های تخصصی آن شرکت کرده‌اند. عظیمی‌فر گفت: هدف اصلی، مهار مصرف، افزایش تولید، تقویت ذخیره‌سازی‌ها و کاهش هرچه بیشتر وابستگی به واردات بنزین است. در حوزه گازوییل نیز طرحی برای کاهش یارانه و مدیریت مصرف و صادرات تدوین شده است که می‌تواند منابع قابل توجهی برای کشور ایجاد کند. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران تصریح کرد: در حوزه‌های مختلف هم حداکثر توان این شرکت برای تحقق ماموریت‌ها و افزایش درآمد و بهره‌وری به کار گرفته می‌شود.

افزایش ذخایر سدهای تهران

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اشاره به وضعیت ذخایر سدهای پنجگانه تهران گفت: ذخایر سدها نسبت به سال گذشته ۱۴۸ میلیون مترمکعب افزایش یافته و میزان پرشدگی سدها ۲۱ درصد است، اما همچنان حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب کمتر از میانگین بلندمدت و میزان مورد نیاز در شرایط مطلوب است.

بهنام بخشی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به وضعیت بارندگی در تهران اظهار کرد: از ابتدای سال آبی تاکنون، میزان بارندگی در تهران به تقریبا ۳.۵ میلی‌متر رسیده است. به‌رغم پیش‌بینی‌هایی که برای بارندگی وجود دارد، امیدواریم شاهد مطلوبیت بارندگی‌ها باشیم، اما تا زمانی که به نتایج قطعی آماری نرسیم در خصوص پایان دوره خشکسالی نمی‌توان به صورت قطعی اعلام نظر کرد.

وی افزود: تهران برای عبور از شرایط و پایان خشکسالی به ۲۸۰ میلی‌متر بارندگی در یک سال آبی نیاز دارد. در شش سال گذشته، تهران بیش از آمار، شرایط خشکسالی را تجربه کرده است. ۱۷۶ میلی‌متر در سال گذشته بود و طی دو سال قبل نیز بارندگی بیشتری را تجربه نکردیم و سال گذشته کمتر از ۱۷۶ میلی‌متر بارندگی دریافت کردیم و این نشان می‌دهد که این پیوستگی شش‌ساله خشکسالی تاثیر سوء بر سفره‌های زیرزمینی و آبخوان‌های تهران ایجاد کرده است.

بخشی ادامه داد: امیدواریم که بارندگی‌ها جبران ناترازی و کسری در سدهای تهران را کند، اما برای اعلام نظر قطعی در زمینه بهبود شرایط تهران نیاز داریم که فصل پاییز و زمستان سپری شود و میزان سرجمع بارندگی‌ها معیار قرار گیرد. سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اشاره به وضعیت ذخایر سدهای تهران اظهار کرد: نسبت به سال گذشته که سال آبی کم‌بارشی بود (میزان ذخایر سدهای تهران ۲۴۰ تا ۲۴۳ میلیون مترمکعب بود) امسال شاهد رشد ۱۴۸ میلیون مترمکعبی در سدهای پنجگانه هستیم و میزان ذخایر ما به ۳۹۱ میلیون مترمکعب در ابتدای مهر ۱۴۰۵ رسیده است.

وی تصریح کرد: با ایده‌آل و شرایط بلندمدت، در شرایط فعلی باید حدود ۶۰۰ میلیون مترمکعب ذخایر آبی داشتیم و حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب کسری پشت سدهای تهران شاهد هستیم.

بخشی با اشاره به نقش مردم در مدیریت مصرف آب گفت: مردم تهران در تابستان و بهار امسال با مدیریت مصرف توانستند ۷۴ میلیارد لیتر معادل یک سد لتیان، صرفه‌جویی کنند، اما همچنان تهران برای گذر از این شرایط خشکسالی و عبور بدون تنش در روزهای پاییز و فصل زمستان، نیازمند مصرف منصفانه و هوشمندانه شهروندان است تا بارندگی‌هایی که پیش‌بینی شده، محقق شود و هم سدهای تهران جان بهتری بگیرند و هم زمین تشنه تهران از حاصل بارندگی‌ها سیراب شود و آبخوان‌ها به شرایط مطلوبی برگردند.

وی افزود: مردم تهران ظرف دو سال و نیم گذشته با همت و با مدیریت مصرفی که انجام دادند، سرانه مصرف تهران را از ۲۵۰ لیتر به کمتر از ۱۸۰ لیتر رساندند که جای تشکر دارد. امیدواریم با همتی که ۵۰ درصد باقی‌مانده مشترکین ما که در رنج پرمصرف هستند، انجام دهند خودشان را در طبقه الگوی مصرف قرار دهند و مانند ۵۰ درصدی که در تهران در سال جاری خوش‌مصرف شدند، مصارفشان کم شود و همه مردم تهران در طبقه خوش‌مصرفی و رعایت الگوی مصرف ۱۳۰ لیتر در شبانه‌روز قرار بگیرند.

بخشی درباره پدیده ال‌نینو و احتمال تاثیر آن بر تهران و اینکه شرکت آبفا چه اقداماتی برای جلوگیری از خطرات و آسیب‌های احتمالی آن در نظر گرفته است؟ گفت: با اعلام سازمان هواشناسی و مرکز بحران کشور برای پدیده ال‌نینو، در تهران اعلام آماده‌باش شده و مجموعه شرکت آب و فاضلاب استان تهران در سطوح بهره‌برداری در بخش آب و فاضلاب تمهیدات لازم را اندیشیده و پیش‌بینی‌های لازم برای مقابله با سیلاب‌های احتمالی را در دستور کار قرار داده است.

وی ادامه داد: همه همکاران در بخش بهره‌برداری فنی، تمهیدات، به‌روزرسانی تجهیزات و اقدامات لازم را در دستور کار قرار داده‌اند و امیدواریم با بارش‌های خوب، تهران و سدهای تهران به یک شرایط مطلوب برسند.

سخنگوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران تاکید کرد: اکنون به صورت قطعی امکان اعلام اینکه «آیا بارش‌های احتمالی برای برون‌رفت تهران از شرایط تنش آبی و خشکسالی موثر است؟»، وجود ندارد و باید با نگاه آماری و بارش‌های موثری که در محل‌های موثری مثل پشت سدها اتفاق می‌افتد، اعلام نظر کنیم.

بخشی افزود: مواردی وجود داشته در بارندگی‌ها موجب تخریب و آبگرفتگی شده که باعث بروز خسارت بوده است اما وقتی که بارندگی‌ها در حوضه آبریز مناسب پشت سدها قرار می‌گیرد و امکان ذخیره‌سازی آب سطحی را برای ما فراهم می‌کند و بارندگی‌هایی که با آرامش و نظام بارشی مناسب در کل پهنه استان تهران صورت می‌گیرد، به آبخوان‌ها و سفره‌های زیرزمینی تهران کمک خواهد کرد. وی خاطرنشان کرد: چون در شرایط فعلی تمام موضوعات در حد پیش‌بینی و آمار دقیق از میزان بارش‌ها وجود ندارد، به صورت قطعی نمی‌شود اعلام کرد که با بارش‌های پیش‌بینی‌شده آینده تهران از شرایط تنش آبی و خشکسالی بتواند عبور کند اما امیدواریم بارندگی‌ها اتفاق بیفتد.

بخشی در پایان گفت: همچنان درخواست ما از شهروندان این است که مصرف منصفانه و هوشمندانه را مدنظر قرار دهند. با خنک شدن هوا حتما فلکه‌های ورودی آب کولرهای آبی را ببندند، مراقبت کنند که مجموعه‌های سرمایشی و کولرهای آبی باعث تلفات آب نشود و با کاهش مدت زمان استحمام و جلوگیری از هدر رفتن آب در شبکه و رسیدگی به تلفات پنهان و سارقان پنهان آبی که در سرویس‌های بهداشتی و توالت‌های فرنگی هستند، هم خودشان را در طبقه خوش‌مصرفی قرار دهند و هم در موضوع اقتصاد آب به خانواده خود کمک کنند.

وی تاکید کرد: مردم تهران در شش ماهه اول سال ۱۴۰۵ سنگ تمام گذاشتند و حدود ۶۰۰ هزار مترمکعب مصرف آب تهران روزانه کاهش پیدا کرد (معادل یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون بطری نیم‌لیتری). امیدواریم که این تداوم مدیریت مصرف ادامه داشته باشد و همچنان این ذخیره‌سازی برای آیندگان اتفاق بیفتد.

ماینرها ۸.۵ میلیارد کیلووات‌ساعت برق را بلعیدند

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تازه‌ترین گزارش خود با عنوان برآورد تاثیر استخراج رمزارزها بر مصرف برق کشور از بلعیدن ۸.۵ میلیارد کیلووات‌ساعت برق توسط ماینرها خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تازه‌ترین گزارش راهبردی خود با عنوان برآورد تاثیر استخراج رمزارزها بر مصرف برق کشور به واکاوی سهم و اثرگذاری استخراج غیرمجاز دارایی‌های رقومی بر بحران ناترازی شبکه برق پرداخت. بر اساس یافته‌های این گزارش علمی و تطبیقی، توان مصرفی تجهیزات استخراج رمزارز در کشور تا ۱۲۰۰ مگاوات برآورد شده که سالانه رقمی بالغ بر ۸.۴۶ میلیارد کیلووات‌ساعت انرژی الکتریکی را به خود اختصاص می‌دهد.

این مطالعه با بهره‌گیری از دو شیوه محاسباتی مستقل شامل تخمین سهم ایران از نرخ هش شبکه جهانی و تحلیل تغییرات بار پایه در زمان افت ترافیک اینترنت، نشان می‌دهد که استخراج غیرمجاز هرچند ریشه اصلی ناترازی برق نیست، اما در ماه‌های گرم سال مسوول ۱۴ درصد از کل کسری انرژی ماهانه برق کشور (معادل مصرف سالانه حدود ۲.۵ میلیون خانوار) است؛ مصیبت انرژی که سالانه رقمی نزدیک به ۱.۵ میلیارد دلار هزینه سوخت مایع و گاز تحمیلی روی دوش دولت و نیروگاه‌ها باقی می‌گذارد.

۱. سهم ۱۴ درصدی از ناترازی انرژی تابستان: اوج‌گیری ناترازی توان در فصل گرما تا مرز ۱۴.۷ هزار مگاوات، استخراج رمزارزها حدود ۶ درصد از پیک توان و ۱۴ درصد از کسری تجمعی انرژی تابستانه را می‌بلعد.

۲. اثر معجزه‌آسا بر شاخص‌های پایداری شبکه: طبق مدل‌سازی گزارش، در صورت قطع کامل مصرف استخراج غیرمجاز، ساعات بدون کسری شبکه در فصل تابستان از ۵.۲ درصد به ۳۳.۶ درصد افزایش می‌یابد و کسری‌های حاد بالای ۱۰ هزار مگاوات به میزان چشمگیری فروکش می‌کند.

۳. دود ماینرها در چشم مخازن سوخت: تامین برق این تجهیزات نیازمند مصرف معادل ۲.۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی یا بیش از ۲ میلیارد لیتر گازوییل است؛ حجمی که معادل ۸۰ درصد گازوییل وارداتی کشور در سال‌های اخیر بوده و دست‌کم ۱.۵ میلیارد دلار عدم‌النفع سوخت ایجاد کرده است.

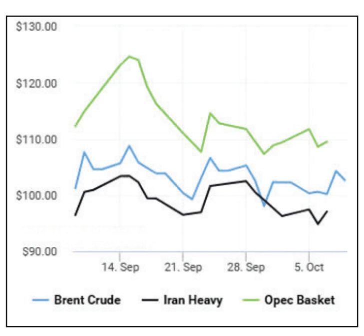
۴. تغییر جغرافیای استخراج: بررسی‌ها حاکی است تعرفه‌گذاری پلکانی در بخش خانگی مانع استخراج در منازل شده، اما یارانه‌های انرژی در بخش‌های کشاورزی، شهرک‌های صنعتی غیرفعال، انشعابات تجاری و حتی مصارف داخلی نیروگاه‌ها، ماینینگ را به این تاریک‌خانه‌ها سوق داده است.

محمدالله‌داد، مدیرعامل شرکت توانیر، در واکنش به این گزارش پژوهشی و در تشریح برنامه‌های عملیاتی صنعت برق، اظهار کرد: گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس ابعاد واقعی و تلخ پدیده‌ای را آشکار کرد که ما در صحنه بهره‌برداری روزانه شبکه با گوشت و پوست خود لمس می‌کنیم. عدد ۱۲۰۰ مگاوات مصرف پیوسته ماینرها دقیقا معادل توان تولیدی یک نیروگاه بزرگ مقیاس حرارتی یا دو فاز نیروگاه اتمی بوشهر است که به شکل سربارِ خاموش، ثبات شبکه سراسری را هدف گرفته است.

به گزارش پایگاه خبری وزارت نیرو، وی با تاکید بر تاثیر حذف این مصارف بر آسایش عمومی افزود: اینکه حذف مصرف ماینرها می‌تواند ساعات بدون ناترازی را در اوج تابستان ۶ برابر کند و ۱۴ درصد از کسری انرژی را برطرف سازد، نشان می‌دهد مبارزه با استخراج غیرمجاز تنها یک اقدام انتظامی نیست، بلکه سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار افزایش تاب‌آوری شبکه برق است. تولید این حجم از برق به قیمت سوزاندن سوخت مایع گران‌قیمت تمام می‌شود، در حالی که سود سرشار و ارزی آن به جیب دلالان معدود می‌رود و خسارت قطعی‌های ناخواسته آن گریبانگیر صنایع مولد و مردم عادی می‌شود. این مقام مسوول درباره رویکرد جدید این شرکت در مقابله با سودجویان تصریح کرد: دوران روش‌های سنتی بازرسی به پایان رسیده است. همان‌طور که بازوی پژوهشی مجلس پیشنهاد داده، توانیر پایش چندبعدی را در قالب سامانه‌های هوشمند داده‌کاوی در دستور کار قرار داده است. با رصد پیوسته پروفایل بار در سطح فیدرهای فشار متوسط و ضعیف، تطبیق مصرف ترانسفورماتورها با تولید فیزیکی صنایع و کشاورزی و همچنین کنترل مصارف داخلی نیروگاه‌ها، الگوهای غیرعادی مصرف بلادرنگ استخراج و متخلفان شناسایی خواهند شد. در کنار این اقدامات فنی، نیازمند اصلاح و بازدارنده‌تر شدن قوانین قضایی و جرایم مرتبط هستیم تا هزینه دست‌اندازی به برق عمومی برای متخلفان به مراتب بالاتر از سودناشی از استخراج باشد.

تحلیل

کاهش قیمت نفت پس از اظهارات ترامپ درباره ایران



قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا که نگرانی‌ها در مورد عرضه نفت از خاورمیانه را تا حدی تخفیف داد، کاهش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت با ۷۲ سنت معادل ۰.۷ درصد کاهش، به ۱۰۳ دلار و ۵۳ سنت در هر بشکه رسید. قیمت معاملات آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) امریکا نیز با ۵۲ سنت معادل ۰.۶ درصد کاهش یافت و به ۹۰ دلار و ۹۷ سنت در هر بشکه رسید. با این حال، قیمت نفت برنت پس از ثبت رشد چهار درصدی در روز پنجشنبه، همچنان در مسیر ثبت رشد هفتگی قرار دارد. در مقابل، نفت وست تگزاس اینترمدیت با وجود اختلالات عرضه ناشی از نزدیک شدن یک توفان به سواحل خلیج مکزیک در امریکا، در مسیر کاهش جزیی هفتگی است. ترامپ روز پنجشنبه اعلام کرد که واشنگتن در حال انجام «مذاکرات سازنده» با ایران است و تاکید کرد که هیچ حمله‌ای پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سوم نوامبر، برنامه‌ریزی نشده است؛ این اظهارات در واکنش به گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر احتمال حمله پیش از آن تاریخ بیان شد. بر اساس گزارش رویترز، بازار نفت همچنین با توفان «ایسایاس» در خلیج مکزیک دست‌به‌گریبان است. بر اساس اعلام اداره مدیریت مواد معدنی دریایی امریکا، تولیدکنندگان در این منطقه به دلیل این توفان، تولید حدود ۱.۳ میلیون بشکه در روز (معادل ۶۲.۹ درصد از تولید فعلی نفت) را تا روز پنجشنبه متوقف کرده‌اند.

رویداد

امریکا و روسیه فروش گاز به اروپا را بررسی می‌کنند

رویترز به نقل از پنج منبع آگاه گزارش کرد: مقامات ارشد روسیه و امریکا، از جمله جارد کوشنر، فرستاده ویژه ایالات متحده، مذاکراتی را در مورد جذب یک سرمایه‌گذار امریکایی به خطوط لوله نورد استریم که قبل از حمله روسیه به اوکراین، گاز را به آلمان منتقل می‌کرد، انجام داده‌اند. به گزارش ایسنا، این افراد به رویترز گفتند که در این مذاکرات کریل دمیتریف، مشاور نزدیک ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، و کوشنر، داماد دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا نیز مشارکت دارند. کوشنر که در تلاش برای ایجاد آتش‌بس میان روسیه و اوکراین بوده است، تجارت را به عنوان محور اصلی احیای صلح می‌داند. چنین توافقی به سرمایه‌گذاران امریکایی این امکان را می‌دهد که پس از پایان جنگ، از جریان انرژی به اروپا سود ببرند. دمیتریف و کوشنر در هفته‌های اخیر در مسکو و نیویورک دیدار کرده‌اند. در حالی که مشخص نیست که آنها در موارد مذکور، تا چه حد در مورد خطوط لوله گازی نورد استریم بحث کرده‌اند، دو نفر از این منابع آگاه به رویترز گفتند که این موضوع همچنان در دستور کار است. یک مقام کاخ سفید در پاسخ به سوالی در مورد مذاکرات مربوط به خط لوله گفت: «هرگونه قراردادی باید توسط روسیه با شرکت «مالی توسعه بین‌المللی ایالات متحده» (DFC) و وزارت خزانه‌داری مذاکره شود و باید به نفع مالیات‌دهندگان و شرکت‌های ایالات متحده باشد.» دمیتریف که برای از سرگیری فروش گاز روسیه به آلمان فعالیت داشته است، ماه گذشته با نمایندگان وزارت انرژی و خزانه‌داری امریکا دیدار کرد تا در مورد ابتکارات بالقوه انرژی امریکا و روسیه بحث کند. هنوز مشخص نیست که واشنگتن تا چه حد به دنبال از سرگیری جریان گاز روسیه به آلمان – بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی اروپا- علاقه‌مند است. یک مقام امریکایی گفت: با توجه به موانع، بعید است که در میان‌مدت توافقی حاصل شود. خطوط لوله گاز نورد استریم توسط امریکا و اتحادیه اروپا تحریم شده‌اند و هرگونه از سرگیری غیرقانونی است. ترامپ می‌تواند تحریم‌های امریکا را لغو یا کاهش دهد، اما اگر دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه آینده کنترل کنگره را به دست بگیرند، این کار دشوارتر خواهد شد. همچنین، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی که میلیاردها یورو برای بازسازی ارتش خود برای دفاع از خود در برابر روسیه هزینه می‌کنند، به‌شدت در برابر بازگشایی خط لوله نورد استریم مقاومت خواهند کرد. سخنگوی وزارت اقتصاد و انرژی آلمان گفت: خطوط لوله نورد استریم و گاز روسیه در اروپا تحریم شده‌اند و آلمان جایگزین‌هایی پیدا کرده است. او گفت: هرگونه بازگشایی این خطوط لوله نیاز به تایید دولت دارد و این مطلوب نیست. قبل از آغاز جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، آلمان بیش از نیمی از گاز خود را از طریق دو خط لوله نورد استریم از روسیه خریداری می‌کرد. این خطوط لوله پس از آنکه مسکو عرضه به اروپا را محدود کرد، متوقف شدند و در سپتامبر ۲۰۲۲ در یکسری انفجارهای زیر آب، آسیب دید. مذاکرات میان مسکو و واشنگتن در حالی در جریان است که بی‌اعتمادی عمیق اروپا به انگیزه‌های روسیه وجود دارد. در حالی که دولت ائتلافی آلمان با راه‌اندازی مجدد خط لوله مخالف است، حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD)، محبوب‌ترین حزب سیاسی این کشور، خواهان انجام این کار است. دمیتریف اوایل سال آینده با رهبری حزب آلترناتیو برای آلمان دیدار خواهد کرد تا در مورد فروش مجدد گاز روسیه گفت‌وگو کند. اما فروش مالکیت شرکتی که خطوط لوله گاز نورد استریم را کنترل می‌کند به یک سرمایه‌گذار امریکایی یا از سرگیری گاز روسیه، با موانعی روبه‌رو است. حدود ۵۱ درصد از این شرکت متعلق به غول انرژی دولتی گازپروم روسیه است و ۳۱ درصد دیگر بین دو نهاد آلمانی و بقیه در دست یک شرکت فرانسوی و هلندی است. یک منبع آگاه گفت: در صورتی که گازپروم سهام خود را بفروشد، دو سهامدار آلمانی به دنبال حفظ سهام خود برای حفظ نفوذ آلمان هستند.

در حالی که یک معامله گازی کرملین را خوشحال می‌کند، افکار عمومی آلمان را که بر سر خرید انرژی روسیه اختلاف نظر دارند و اروپا را دچار اختلاف می‌کند.

خبر

پایداری کامل شبکه برق در پایتخت

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ از رفع کامل اختلال فنی ناشی از وقوع توفان در خطوط برق‌رسانی مناطق جنوبی و غربی پایتخت خبر داد و اعلام کرد که شبکه توزیع برق این مناطق هم‌اکنون در پایداری کامل قرار دارد. به گزارش ایسنا، شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: با پیگیری‌های مستمر و سرعت عمل نیروهای عملیاتی صنعت برق، نقص فنی پیش‌آمده در خطوط انتقال انرژی که بر اثر وقوع توفان در برخی نقاط جنوبی و غربی پایتخت ایجاد شده بود، در کوتاه‌ترین زمان ممکن برطرف شد. این شرکت ضمن قدردانی از صبر، بردباری و همراهی شهروندان تهرانی در طول مدت بروز این حادثه تاکید کرد: شبکه برق تهران هم‌اینک در وضعیت پایداری کامل قرار دارد. شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در پایان از تمامی شهروندان تقاضا کرد در صورت مشاهده هرگونه نقطه ناایمن احتمالی در شبکه توزیع برق، مراتب را به‌منظور پیشگیری از حوادث احتمالی، بلافاصله از طریق سامانه تلفنی ۱۲۱ به اطلاع کارشناسان برسانند.

ادامه از صفحه اول

زنگ خطر جدید برای بورس

بنابراین اثر مثبت رشد نرخ ارز بر بورس به ساختار هزینه‌ها، وضعیت فروش، امکان انتقال افزایش هزینه به قیمت محصولات و شرایط عملیاتی هر شرکت بستگی دارد. در مقابل محرک‌های تورمی، ریسک‌های سیاسی و نگرانی از پیامدهای شرایط جنگی همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل محدودکننده رشد بازار سرمایه محسوب می‌شوند. بورس به عنوان بازاری شکل گرفته در بستر اقتصاد داخلی، از انتظارات عمومی نسبت به آینده کشور تاثیر می‌پذیرد و افزایش نااطمینانی می‌تواند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را با دشواری بیشتری همراه کند. نگرانی از اختلال در تامین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، دشوارتر شدن صادرات و احتمال ایجاد محدودیت در مسیرهای تجاری، از جمله عواملی است که می‌تواند چشم‌انداز فعالیت شرکت‌های بورسی را تحت تاثیر قرار دهد. در این میان، تنگه هرمز و وضعیت تردد در این مسیر راهبردی، به دلیل اهمیت آن در تجارت و انتقال انرژی می‌تواند برای صنایع صادرات‌محور و شرکت‌های وابسته به زنجیره تامین بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. در چنین شرایطی، حتی شرکت‌هایی که از منظر بنیادی وضعیت مناسبی دارند، ممکن است به دلیل افزایش ریسک‌های بیرونی با احتیاط سرمایه‌گذاران مواجه شوند. در واقع، مساله فقط میزان سودآوری شرکت‌ها نیست، بلکه پیش‌بینی‌پذیری درآمدها، امکان تداوم تولید و فروش و اطمینان از دسترسی به بازارهای صادراتی نیز در تصمیم سهامداران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. با در نظر گرفتن این دو دسته از عوامل، عبور شاخص کل از سطح ۸ میلیون واحد را باید در کنار ریسک‌های موجود ارزیابی کرد. این سطح برای بازار سرمایه از اهمیت روانی بالایی برخوردار بوده و عبور از آن می‌تواند از منظر انتظارات و رفتار معامله‌گران نقطه عطفی محسوب شود. با این حال، رسیدن به چنین سطحی به تنهایی به معنای تضمین تداوم صعود نیست و بازار برای حفظ روند مثبت خود به تقاضای پایدار و چشم‌انداز روشن‌تری از شرایط اقتصادی نیاز دارد. بر این اساس، برای هفته آینده می‌توان انتظار داشت که از شدت تقاضای خرید در بازار سهام کاسته شود. این پیش‌بینی لزوما به معنای آغاز یک روند نزولی قدرتمند نیست، اما احتمال دارد شتاب رشد قیمت‌ها کاهش پیدا کند و بخشی از معامله‌گران پس از رشدهای اخیر، با احتیاط بیشتری اقدام به خرید کنند. در صورت افزایش عرضه و کاهش قدرت خریداران، اصلاح قیمت در برخی نمادها نیز دور از انتظار نخواهد بود. البته مسیر معاملات به نحوه واکنش سرمایه‌گذاران به تحولات سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. چنانچه جریان نقدینگی در بازار حفظ شود و ریسک‌های بیرونی افزایش قابل توجهی پیدا نکنند، امکان تداوم معاملات مثبت در برخی گروه‌ها وجود خواهد داشت. در مقابل، تشدید نگرانی‌ها درباره وضعیت جنگی و محدودیت‌های تجاری می‌تواند بر رفتار خریداران اثر بگذارد و به کاهش تقاضا منجر شود. در افق میان‌مدت نیز تحولات سیاسی و زمانبندی رویدادهای پیش رو می‌تواند نقش مهمی در تعیین جهت بازار ایفا کند. انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا و تحولات سیاسی مرتبط با اسراییل، از جمله موضوعاتی هستند که ممکن است بر انتظارات سرمایه‌گذاران درباره وضعیت منطقه و چشم‌انداز ریسک‌های ژئوپلیتیک اثر بگذارند. با این حال، نمی‌توان صرفا بر اساس نزدیک شدن به این رویدادها، زمان مشخصی را برای تغییر روند بورس تعیین کرد. آنچه اهمیت دارد، نحوه اثرگذاری تحولات سیاسی بر انتظارات اقتصادی، نرخ ارز، وضعیت صادرات و سطح اطمینان سرمایه‌گذاران است. در چنین فضایی، بررسی دقیق‌تر شرایط بازار از اواخر آبان ماه می‌تواند تصویر روشن‌تری از مسیر پیش رو ارایه دهد؛ البته به شرط آنکه تا آن زمان، اطلاعات و نشانه‌های قابل اتکاتری درباره تحولات سیاسی و اقتصادی در دسترس قرار گیرد. بورس در مقطع فعلی میان دو نیروی متضاد قرار گرفته است؛ تورم و افزایش نرخ ارز از یک سو می‌توانند از ارزش اسمی دارایی‌ها و سهام حمایت کنند و ریسک‌های سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، ظرفیت رشد بازار را محدود سازند. بر همین اساس، انتظار می‌رود در هفته آینده از شدت تقاضای خرید کاسته شود و بازار پس از صعود اخیر، با احتیاط بیشتری حرکت کند. برای سهامداران، در چنین شرایطی توجه همزمان به وضعیت بنیادی شرکت‌ها، پایداری جریان نقدینگی و تحولات اثرگذار بر اقتصاد، اهمیت بیشتری از اتکا به رشد شاخص و عبور آن از مرزهای روانی خواهد داشت.

آزمون دولت در مهار هزینه‌های معیشت

در مجموع، کاهش شتاب تورم در ماه‌های اخیر را نمی‌توان جدا از شرایط کلی اقتصاد کشور ارزیابی کرد. استمرار این روند به توانایی دولت و بانک مرکزی در کنترل نقدینگی و هزینه‌ها از یک سو و تحولات سیاسی، امنیتی و تجاری از سوی دیگر وابسته است. در شرایطی که هزینه واردات، حمل‌ونقل و تجارت افزایش پیدا می‌کند، صرف کنترل شاخص‌های پولی به تنهایی نمی‌تواند استمرار کاهش شتاب تورم را تضمین کند. برای تثبیت این روند، باید مجموعه‌ای از عوامل به صورت همزمان مدیریت شوند و در کنار انضباط پولی و مالی، کاهش هزینه‌های تجاری نیز مورد توجه قرار گیرد.